

ارگان جمهوری ایران

سدهشنه ۱۴۶۵ خردادماه ۱۲

شماره ۷۵

صفحه ۴

ریال ۱۵

بعثت حضرت محمد (ص)

بـتـهـای چـوـبـی و سـنـگـی کـه پـیـغـمـبـرـ اـسـلـامـ روـیـ بـامـ کـعـبـهـ شـکـسـتـ

مـقـدـمـهـ شـکـسـتـنـ بـتـهـایـ گـوـشـتـیـ بـودـ کـه هـدـفـشـانـ غـارـتـ عـقـلـ

حسن صدر

و شـعـورـ مرـدمـ اـسـتـ

هـسـتـنـدـ کـه جـهـ باـ نـظـمـ وـ جـهـ باـ بـرـاهـ رـاـسـتـ هـدـایـتـ مـیـکـنـدـ وـ

نـشـرـ جـهـ باـ نـوـشـهـ وـ جـهـ باـ سـرـمـنـلـ کـمالـ مـیـرسـانـدـ .

کـفـنـهـ رـوـحـ وـ رـوـانـ آـدـمـیـ رـاـ درـ فـرـآنـ کـرـیـمـ درـ وـصـفـ رـاـ فـرـ

نـمـایـانـ وـ پـیـشوـایـانـ فـرـمـودـهـ :ـ

"ـ اـتـنـعـوـ اـنـ لـایـسـلـکـمـ اـجـراـ وـ هـمـهـنـدـلـونـ "ـ اـزـ کـسـانـیـ تـبـعـیـتـ

بـقـیـهـ درـ صـفـحـهـ ۴ـ

مـقـیـاسـ تـارـیـخـ بـرـایـ انـداـزـ

کـیـرـیـ بـرـزـکـیـ مـرـدانـ جـهـانـ عـطـتـ

آـثـارـیـ اـسـتـ کـه درـ زـندـگـیـ

آـدـمـیـانـ بـجـایـ کـذـاشـتـانـدـ وـ

دـوـنـ شـکـ اـیـنـ مـرـدانـ بـرـزـکـ درـ

درـ آـنـ بـیـمـ کـمـراهـ وـ بـخـرـیـ

دارـنـدـ شـاعـرـ بـقـیـهـ خـاصـ

کـلمـهـ نـیـسـتـ بلـکـهـ مـرـادـ کـسـانـیـ

وـ کـجـ روـیـ وـ کـجـ اـنـدـیـشـیـ هـسـتـ

نـظـامـیـ بـیـشـ وـ بـیـشـیـ بـستـ

خـفتـ کـرـیـاـ .ـ بـیـشـ شـعـرـ آـدـمـ وـ

بـیـشـ اـسـیـاـ .ـ

مـرـادـ اـزـ شـعـرـ کـه درـ صـفـ

دـوـنـ شـکـ اـیـنـ مـرـدانـ بـرـزـکـ درـ

درـ آـنـ بـیـمـ کـمـراهـ وـ بـخـرـیـ

جـایـ دـارـنـدـ .ـ بـقـولـ حـکـمـ

توطئه تعطیل دانشگاه را همچنان محکوم میکنیم

بـیـشـترـیـ بـرـایـ تـحـصـیـلـاتـ بـعـدـ

ازـ انـقلـابـ بـودـنـدـ بـهـ یـاسـ بـدـلـ

نـمـایـنـدـ تـاـ رـغـبـتـیـ بـهـ تـحـصـیـلـ

وـ دـانـشـکـاهـوـدـانـشـوـشـنـدـنـ

بـقـیـهـ درـ صـفـحـهـ ۲ـ

تحلیلی

بر لایحه قصاص
درباره ایرادها و اعتراضاتی
که بر لایحه قصاص وار
است باید کتابها نوشت

این لایحه قصاص در قرن بیست نمی تواند منظور از فلسفة مجازات را با جراحت درآورد برخلاف تصور شما که این قانون را میخواهید تصویب کنید و با جراحت بگذارد و عده زیادی که به این قانون اعتراض میکنند این قانون شدید و خشن نیست زیرا اگر همین قانون قصاص با جراحت گذشت شود دیگر هیچ زناکاری مجازات تجواده شد زیرا هیچ کس اقرار نمی کند و در این قانون تنها دلیل اثبات این جرم (اقرار ۴ بار و شهادت ۴ نفر مرد است) نتابایران جکونه ممکن است شخص زناکار را مجازات کرد بخصوص باتوجه به اینکه مگویند در این جرم مدعی خصوصی با شاکی عیال و با شوهر نخواهد بود و هرگز یک انسان حاضر نمیشود مجازات سنتکسار شوهر و با زن خود را تجواده همچنین در قتل نفس عمد نیز با گذشت ولی دم قاتل از مجازات معاف میشود آنهم یا بعلت اخذ وجه یا دیده و یا کریه و زاری غایناده قاتل که سعی میکنند ولی دم را برس رحم آورند و رضایت او را بگیرند. حال فرض کنیم یک ولی دم قصاص را تجواده شرع قصاص را باید خود او انجام دهد آنهم با یک ضربه آیا شما چنین شخصی را میشناسید که حاضر باشد گردن یک فرد دیگر را از تن جدا کند.

در قتل غیرعمد جز دیه مجازات دیگری وجود ندارد آنوقت قتلهایی که بر اثر احتباطی در رانندگی و غیره بقیه در صفحه ۲

و بخصوص فرمولهای اقتصادی
علوم ریاضی تلقی نکرده و

جمله فرمول اقتصادی را چون
عرضه و تقاضا را مینتوان میازد.

آن جوامع را فراهم میازد.

زدکار زمان عرضه آن تاکنون
تغییر نمیداند ولی حققت
این جوامع بخصوص طبقاتی
یکی از بزرگترین بلایای علم اقتصاد را چون.

غیرقابل تغییر میباشد از

که موجبات ویرانی اقتصاد
فرمولهای ریاضی غیرقابل

زیر پنجه غولهای بیکاری،

گرانی، تورم، آشفتگی و هرج

و مرد و از همه مهیب تر عدم

نگرانی و مشکلی وجود نداشته

بلای جان اقتصاد است دست

فلج کنندگان مواجه میباشد

غیرقابل انکار است. حتی

اویلیاء امور نرخ سالانه سی

درصد تورم را اعتراف کرده اند.

با این وصف در راه مبارزه با

تورم جز تاظهار بیاست مبارزه

با گرفتوشی اقدام موثر

دیگری بعمل نیامده است. با

وجود آنکه در برخی از محاذ

بـقـیـهـ درـ صـفـحـهـ ۳ـ

مـگـرـاـبـنـ دـانـشـگـاهـهـاـیـ بـسـتـهـ

شـدـهـ پـایـگـاهـ هـمـیـشـگـیـ

مـبـارـزـهـ بـاـ رـژـیـمـ

دـیـکـتـاتـورـیـ شـاهـ فـیـوـدـهـ اـفـدـ

مـارـزـاتـ خـسـتـکـیـ نـایـذـیـزـ

دـاـنـشـجـوـیـانـ وـ اـسـتـادـانـ درـ

دـاـنـشـکـاهـهـاـیـ اـیـرانـ خـارـجـهـ

دـاـنـشـجـوـیـانـ بـلـ اـنـ وـ اـعـتـارـ

اـهـمـتـرـیـانـ اـجـتمـعـیـ وـ اـقـتـادـیـ

اـمـرـوزـرـیـسـ جـمـهـوـرـ نـمـایـندـکـانـیـ

اـزـ مـحـلـ شـورـاـ وـ بـرـدـانـ مـورـدـ

اعـتـمـادـ وـ بـاـکـادـامـ وـ مـیـازـ

مـلـکـتـ اـزـ آـنـ هـسـتـ،ـ هـمـانـ

دـاـنـشـجـوـیـانـ وـ اـسـتـادـانـ وـ

مـلـکـتـ کـرـدـنـدـ،ـ هـمـانـ

پـیـشـنـمـوـهـوـ نـمـایـندـکـانـیـ

اـزـ مـلـکـ اـزـ ۲۸ـ مـرـدادـ ۳۲ـ بـرـایـ مـلـتـ اـیرـانـ

کـامـلـ رـوـشـ اـسـتـ،ـ هـمـانـ

دـاـنـشـجـوـیـانـ زـجـکـشـیدـهـاـیـ کـهـ

پـیـشـنـمـوـهـوـ نـمـایـندـکـانـیـ

اـزـ مـلـکـ اـزـ آـنـ هـسـتـ،ـ هـمـانـ

دـاـنـشـجـوـیـانـ وـ اـسـتـادـانـ وـ

مـلـکـتـ کـرـدـنـدـ،ـ هـمـانـ

پـیـشـنـمـوـهـوـ نـمـایـندـکـانـیـ

اـزـ مـلـکـ اـزـ آـنـ هـسـتـ،ـ هـمـانـ

اـکـشـرـ اـعـضـاءـ هـیـثـتـ عـلـمـیـ

دـاـنـشـکـاهـهـاـ وـ مـنـخـصـنـ مـلـکـ

رـیـزـمـ طـاغـوـتـیـ کـذـشـهـ وـ سـاـواـکـ

مـخـوفـ شـطـاطـیـ رـاـ خـسـتـهـ کـرـدـ

بـوـدـنـدـ وـ حـامـیـانـ هـمـ جـزـلـتـ

تورم و اقتصاد کنونی ایران

فـشـارـ سـنـگـینـ تـورـمـ سـیـ درـ صـدـ

بـرـدـوـشـ طـبـقـاتـ مـزـدـ بـگـیرـ وـ

کـارـمـنـدـانـ دـوـلـتـ

یـکـیـ اـزـ بـزـکـرـتـرـینـ بـلـایـاـیـ عـلـیـ عـلـمـ اـقـتصـادـ رـاـ چـونـ

جـوـامـعـ دـنـیـایـ غـربـ تـورـمـ اـسـتـ

کـهـ مـوـجـبـاتـ وـ بـرـانـیـ اـقـتصـادـ

فـرـمـولـهـاـیـ رـیـاضـیـ غـیرـقـابلـ

آنـ جـوـامـعـ رـاـ فـرـاهـمـ مـیـازـدـ.

لـطـمـهـ بـرـزـکـ تـورـمـ مـوـجـهـ اـفـرادـ

ایـنـ جـوـامـعـ بـخـصـوـصـ طـبـقـاتـیـ

کـهـ دـسـتـمـزـدـ بـاـ حقوقـ

دـارـنـدـ بـاـ حقوقـ تـائـیـ

تـدـرـیـجـ اـزـ قـرـدـتـ خـرـیدـ آـنـانـ

مـیـکـاهـدـ.ـ درـ مـوـارـدـ کـهـ اـولـیـاءـ

اـمـورـ بـمـنـظـرـ جـبـرـانـ تـرقـیـ وـ

اـفـزـایـشـ هـزـینـهـ زـنـدـگـیـ اـقـدامـ

بـهـ تـعـدـیـلـ دـسـتـمـزـدـ وـ حقوقـ

ایـنـ اـفـرادـ مـیـکـنـدـ درـ اـنـ وـرـودـ

بـولـ اـضـافـیـ بـهـ اـقـتصـادـ نـرـخـ

تـورـمـ اـفـزـایـشـ حـاـصـلـ کـرـدـ

ایـنـ تـعـدـیـلـ بـلـکـیـ اـزـ بـینـ مـرـوـدـ

اـنـ حـقـیـقـتـهـ دـرـ حـالـ حـاضـرـ

غـیرـقـابلـ انـکـارـ استـ.ـ حتـیـ

اوـلـیـاءـ اـمـورـ نـرـخـ سـالـانـهـ سـیـ

بـلـایـ جـانـ اـقـتصـادـ استـ دـسـتـ

فـلـجـ کـنـنـدـگـانـ مـوـاجـهـ مـیـباـشـ

غـیرـقـابلـ انـکـارـ استـ.ـ حتـیـ

اوـلـیـاءـ اـمـورـ نـرـخـ سـالـانـهـ سـیـ

درـ صـدـتـورـمـ رـاـ اـعـتـارـ کـرـدـ

مـلـتـ زـجـدـیدـهـ توـجـیـهـ خـواـهـدـ کـرـدـ.

ماـ مـیـخـواـهـیـمـ درـ بـارـهـ گـرـانـیـ رـوـزـاـفـزـونـ وـ

خـارـقـ العـادـهـ کـالـاـهـاـ کـهـ اـمـکـانـ اـدـامـ زـنـدـگـیـ رـاـ

ازـ مـلـتـ سـلـبـ کـرـدـهـ اـسـتـ .ـ .ـ .ـ درـ بـارـهـ اـفـزـایـشـ

سـرـیـعـ بـیـکـارـیـ وـ سـرـازـیـرـشـدـنـ دـهـقـانـانـ وـ سـایـرـ

مـرـدمـ زـحـمـتـکـشـ بـهـ شـهـرـهاـ .ـ .ـ .ـ وـ درـ بـارـهـ

نـبـودـنـ هـیـچـ بـرـنـامـهـ مشـخـصـیـ اـزـ طـرفـ دـوـلـتـ

دـرـ بـارـهـ اـینـ مـشـكـلـاتـ وـ مـشـكـلـاتـ فـرـاـوـانـ دـیـکـرـیـ

کـهـ دـرـ بـارـهـ دـیدـگـانـ هـمـهـ ماـ قـرـارـ دـارـدـ باـطـلتـ

سـخـنـ بـگـوـیـمـ!

مـیـتـنـیـگـ وـ رـاهـپـیـمـائـ جـبـهـ مـلـیـ

سـخـنـ بـاـ مـلـتـ

جـمـهـرـ مـلـیـ تـصـیـمـ دـارـدـ درـ رـوـزـ دـوـشـنـهـ ۲۵ـ خـرـادـ

دـرـ بـیـکـیـ اـزـ مـیـادـینـ نـیـرانـ بـاـ مـلـتـ سـخـنـ بـگـوـیـدـ.

مـاـ مـیـخـواـهـیـمـ مـرـدمـ رـاـ اـزـ خـطـرـاتـ سـهـمـکـنـیـ

کـهـ اـسـقـلـالـ وـ تـمـامـیـتـ اـرـضـیـ کـشـورـ رـاـ تـهـدـیدـ

مـیـکـنـدـ آـکـاهـ کـرـدـانـیـ .ـ

اـزـ تـوـطـهـهـاـیـ کـهـ درـ هـرـ کـوـشـ وـ کـنـارـ عـلـیـهـ

کـشـورـ اـیرـانـ طـرـحـرـیـ وـ اـقـدـامـ مـیـشـودـ پـرـدهـ

بـرـدـارـیـمـ .ـ

نـسـبـتـ بـهـ نـقـضـ اـصـولـ قـانـونـ اـسـاسـیـ دـرـ

مـوـرـدـ حـقـوقـ وـ حـاـكـمـیـتـ مـلـیـ اـعـتـارـ اـنـضـامـیـ

تـعـطـیـلـ حـقـوقـ وـ آـزادـیـهـایـ اـجـتمـاعـیـ

مـلـتـ رـاـ مـحـکـومـ نـمـایـمـ .ـ

جـمـهـرـ مـلـیـ مـیـخـواـهـدـ نـظـرـ خـودـ رـاـ درـ بـارـهـ

لـوـایـحـیـ کـهـ درـ مـجـلـسـ شـورـایـ اـسـلـامـیـ تـحـتـ

بـرـزـیـ وـ تـصـیـمـ اـسـتـ اـعـلـامـ نـمـایـدـ .ـ

بـنـظـرـ مـاـ لـایـحـهـ بـوـدـجـهـ کـلـ کـشـورـ لـایـحـهـ

وـ اـبـسـتـگـیـ وـ اـفـلاـسـوـ اـفـجـاـوـلـ اـسـتـ .ـ

لـایـحـهـ بـاـزـسـازـیـ اـقـدـامـ بـرـایـ توـسـعـهـ اـمـرـ

تـقـنـیـشـ عـقـایـدـ وـ نـابـودـیـ گـرـهـهـاـیـ کـارـدـانـ وـ

وـرـزـیدـهـ وـ صـاحـبـنـظـرـ وـ کـارـشـنـاسـ صـاحـبـ

صـلـاحـیـتـ

توطئه تعطیل دانشگاہ

میدهندی‌با‌سایر‌فارغ‌التحصیلان

فداکار و مبارز دانشگاهها
سالهای تحصیل نموده تا بهتر
بیوانند مردم خدمت بنمایند
نیست؟ آیا این بخاطر بی-
ارزش کردن فداکاریها و ارجان
کذشکی‌های دانشگاهیان
مبارز و خدمتکاران تحصیل
کرده و سیاستمداران خادم
چون مصدق، دهدزاده،
فاطمیها، شریعیها، قندچیها
شریعت رضویها، بزرگنایها،
بدیع زادگانها، حبیف بزادها
و نجات‌الهی‌ها و هزاران هزار
تحصیل کرده دانشگاهی نیست؟
آیا این بخاطر یکتارزدن قدر
تحصیل کرده و آگاه جامعه از
مبارزه برای ازبین بردن آزادی
و حاکمیت ملی و تشییع حکومت

اسنادی بیست اکرهداف از انقلاب فرهنگی بوطنی تعطیل مراکز ساخت نیروی انسانی علمی و فنی مملکت و تهیی کردن دانشگاهها از جوانان آگاه و مبارز نبوده است بهتر تعییو در این تعطیل دانشگاهها در این مورد برنامه ریزی لازم انجام میشد تا دهه‌ماه دانشگاهها را بدون هیچ مجوز قانونی و هدف‌برنامه‌ای تعطیل نکنند؟ این باصطلاح انقلابیون فرهنگی حتی از امکانات دانشگاهها برای سوادآموزی و تعلیمات حرفه‌ای ساده مردم استفاده نکردند. آیا با خردکردن ارزش‌های علمی و سنتیزه و کینه‌توزی با تحصیل کرده‌ها و متخصصین مملکت جز این خواهد بود که بهدف وخواست کشورهای سلطه‌گر و استعمارگر ایرقدرت‌های جهان کمک نموده و امکانات وابستگی را بیشتر نمائیم. مگر این مردم برای زندگی بهتر و آزادی و رهائی از فقر و بدیختنی و بیسادی و خفقات و دیکتاتوری انقلاب نکردند؟ مگر این مردم برای رفع تعییض‌ها و ازین‌بردن روابط و جایگزینی ضوابط و نامیں بهداشت و امکانات زندگی سالم انسانی انقلاب نکردند؟ مگر این مردم برای اجرای قوانین عدل اسلام راستین انقلاب نکردند؟ پس چرا باید مطالعه (شاید آگاهانه) گروهی با این شتابزدگی اقدام به تعطیل سنگ استقلال آزادی و مراکز آموزش و تحقیق و ساخت نیروی انسانی مورد نیاز ارکان مختلف مملکت کرده‌اند؟ چه کسی در مقابل ملت شریف و مبارز و محروم ایران مسئول خسارات اجتماعی و اقتصادی این تخریبها می‌باشد؟ چه کسی مسئول هدر رفتن عمر بهره‌برداری هزاران دانشجوی دانشگاهها و دیپلمهای آماده ورود به دانشگاه‌های اکنون سرگردان هستند می‌باشد؟

دانشگاهیان بارها اعلام نموده‌اند که علاوه‌قمند و خواهان تحول برنا مامه آموزش و دکرگونی آمورشی بوده و هستند، ولی نه باستن دانشگاهها و تعطیل آموزش و تحقیق و بی توجهی بارزشی‌های علمی و تخصصی نه با هدردادن نیروی هزاران دانشجو و استادو بی علاق نمودن و واخوردگی میلیونه‌جوان و نوجوان به آموزش و تحصیل، نه با پریشان نمودن میلیونها پدر و مادر که در فک آینده مملکت و آینده فرزندان خود هستند.

و مبارزات فارغ التحصilan
دانشگاهها دقیقاً ارزایی
نمیشود نا سی جهت شخصیت
و غرور این مبارزین و معلمین
جوانان انقلابی و متخصصین
هر روز مورد هجوم و حمله
عددی عقدهای کیدن تو ز و آکادمی
قرار نکرد. چرا سی انصافی
نمیشود! چرا مردم صحبت از
سی دینی و سی ایمانی دانشگاهیان
و تحصیل کرده‌ها مشود و به
مردم القاء میکند. چرا سی-
انصفی میشود! چرا لمدینع
حمله را بکلوی دانشگاهیان
و تحصیل کرده‌های دانشگاهی
کذاشند و همه تصفیه حساب-
های سیاسی و پاکسازی و باز-
سازی و واپسی و عقب‌ماندگی
و سی دینی و ... را شامل
دانشگاهیان و تحصیل کرده‌های
دانشگاهها میدانند؟ چرا از
سکوت و خاموشی انقلابیون
جاوهطلب پس از انقلاب در
مقابل ظلم و ستم و جنایات
رژیم طاغوت صحبت نمیشود؟
چرا از مداھان و دعاکویان
شاهنشاهان و جیره‌خواران
اشراف و فئودال‌های رژیم‌های
طاغوتی صحبت نمیشود...
اینان چه مدارسی را دیده‌اند؟
آیا این تهاجم و سی‌حرمتی به
دانشگاهها و دانشگاهیان و
فارغ التحصilan و متخصصین
دانشگاهی بخاطر روش‌گیری
و آکاهی آنان از مشکلات
اقتصادی و عدم مدیریت و
ندام کاریهای سیاسی و
قدرت‌طلبی مسئولین حکومتی
نمیست؟ آیا این بخاطر بی-
ارزش‌کردن علوم و تکنولوژی
و مقام علمی استادان و
متخصصین و تحصیلات
دانشگاهی نمیست؟ آیا این
بخاطر هدردادن نیروی مبارزه
دانشگاهیان و متخصصین بر-
علیه وابستگی و عقب‌ماندگی
کشور نمیست؟ آیا این بخاطر
زیربار برفتن آنان به حکومت
چه مقداری و خشونت و اختناق
و انحصارگرائی و دیکتاتوری
برجمهوری نمیست؟ آیا این
بخاطر جلوگیری از تعلیم و
تربیت نیروی جوان متخصص
و آکاه و مبارز برای مملکت
نمودن و سی‌علاوه‌کردن پزشکان
و پرستارانی که با علاقه در
نقاط مختلف کشور مشغول درمان
بیماران و مجروحین میباشدند
یا مهندسین فنی و کشاورزی
که در کارگاهها و کارخانجات
و مزارع خدمت مینمایند یا
معلمین رحمتکشی که در دور-
ترین نقاط کشور نامر تعلیم و
تربیت فرزندان مملکت انجام
وظیفه مینمایند یا افسرایی که
در نقاط مختلف کشور در مزهای
دورافتاده مملکت با فدایکاری
خدمت مینمایند یا حقوق-
دانان پاکدامنی که از حقوق
مردم ستمدیده دفاع مینمایند
یا بوسندکان مبارز و ارجان
کذشایی که جامعه را آکاهند

در مداد ۶۸ ده صور سدد است "اکر کرمی با سردی هوا
موجب سرات رخم شود باید در هوای معنده قصاص اینجا
گرد" سایر این چنانچه شخصی در اینداهی ناسستان مرتب
حرحی سد که باید قصاص شود و کرمی هوا موجب سرات
رحم مکردد باید صبر کرد تا فصل ناسستان بکدرد و فصل
ناشر ما رسمان فرا رسد در این مدت با جانی چد باید
کرد آیا باید او را حس کرد در اینصورت این حس موجب
بداء اوست که بنا به این ماده ۶۹ ممنوع است بعلاوه این حس
آنند از قصاص است که با ماده ۶۶ تضاد دارد و بهصورت
بقیه در صفحه ۳

معین شود . نکات قابل توجه در این ماده چنین قابل توضیح است که جانی برای فرار از قصاص بهتر است جراحت شدید وارد آورد تا از قصاص رها شود و دیه بپردازد و یا اگر جراحت وارده شدید بود و یا قطع عضو آنقدر حساس بود که در صورت قصاص موجب ازدیاد جرح بر جانی شود و با موجب فوت جانی گردد در اینصورت قصاص نمیشود و جانی باید دیه بپردازد و در اینصورت خواسته محنتی علیه یعنی کسی که مجرح شده و یا عضو بدنش قطع شده مورد قبول قرار نمی کیرد - با این وصف و با این توضیح چکونه ممکن است محنتی علیه راضی شود دیه بکیرد و اگر دیه را قبول نکرد تکلیف چیست؟ مخافا براینکه تشخیص این مراتب بعهده کیست و آیا پزشک متخصص باید چنین تشخیص بدهد یا حاکم در اغلب مواد قانون قصاص این اشکالات وجود دارد و آئین دادرسی و طرز رسیدگی بجرائم بقدرتی سبهم و نامشخص است که اجرای همین مواد خود بسیار شکل و کاهی غیرممکن میشود بعلاوه در مواد آن نداد و نباشیان وجود دارد بعنوان نمونه در ماده ۶۵ مقرر شده قصاص عضو را میشود فوراً اجرا نمودو لازم بیست صریحتند تا وضع جرح روش شود پس اگر قصاص اجرا شد و جرح منجر به مرگ محنتی علیه کردید در صورتیکه جنایت بمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم میشود لکن قبل از اجراء قصاص نفس باید دیه جرحي که قبلاً بعنوان قصاص عضو بر جانی وارد شد باو داده شود "اجراء این ماده چندین اشکال ایجاد مینماید .

اولاً - در ماده ۶۸ مقرر شد "اگر کرمی یا سردی هوا و چوب سرایت زخم شود باید در هوای معبد قصاص انجام گیرد " .

بنابراین اجرای فوری قصاص مذکور در ماده ۶۵ باین ماده تناد و مبایست دارد زیرا اگر هوا کرم بود و بیم ن میرفت که گرمی هوموجب فوران خون یا ناراحتی دیگر شود طبق ماده ۶۸ باید صبر کرد و در اینصورت اجرای قصاص عضو ممکن نمی‌گردد.

ثانیاً - اگر قرار براین باشد که طبق ماده ۶۸ صبر و اامل شود تا چه مدت و چه زمان باید صبر کرد.

ثالثاً - تشخیص اینکه هوا برای قصاص مناسب است اache شخصی است (پرشک یا حاکم و یا ...).

رابعاً - اینکه در ماده ۶۵ قید شده است (اگر قصاص جرا شد و جروح منجر به مرگ محنی علیه کردید در صورتیکه جنایت عمدى باشد) جانشینی به قصاص نفس محکوم میشود ...)

اعلت تعجب است زیرا اصولاً رمانی قصاص اجرا میشود که جنایت عمدى باشد ذکر این جمله (جنایت عمدى باشد) فهم ندارد.

خامساً - اگر صاحب و یا صاحبان خون نتوانستند بجهوحی که قبلاب عنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده بپردازند حکم ماده مذکور چگونه اجرا میشود.

سادساً - آیا بهتر نیست برای قصاص جرح اندکی اامل شود تا نتیجه جرح مشخص شود و سکاره قصاص اجرا مود و گرفتار این اشکالات نشویم.

و بالاخره هرچند ما اجازه ایراد باین قوانین بداریم لی در مقابل اعترافات حقوقدانان جهان چکونه از لحاظ دادالت مینتوان پاسح گفت.

در ماده ۶۷ لایحه قصاص از لحاظ عمل بمواردی رخورد میکنیم که شاید قصاص کننده را از قصاص منصرف مازد باین توضیح که در این ماده مقرر شده است "اگر در شر حركت جانی قصاص بیش از جنایت شد قصاص کننده سامن نیست و اگر بدون حركت جانی قصاص بیش از جنایت شد در صورتیکه این از دیاد عمدی باشد قصاص کننده نسبت آن مقدار زائد قصاص میشود ، در صورتیکه عمدی نباشد یه یا ارزش آن مقدار زائد بعده قصاص کننده میباشد" .
اولا - مسلم و قطعی است که شخص نمی تواند در موقع برادر جرح بخود بخصوص زمانیکه شخص ناظر است و باید باشید تا نسبت با او جرح وارد آید خواه ناخواه حركت میکند حال چه کسی باید تشخیص دهد که این حركت عمدی باشد

ثابت و مسلم است که شخص قصاص‌کننده رای انجام قصاص عمداجراحتی بر جانی وارد می‌آورد زیرا سیخواهد قصاص کند بنابراین ذکر جمله "در صورت سکع عمدى باشد" منطق ندارد و تشخیص اینکه قصاص کننده عتمداً زیاده سراندازه جرح جراحت وارد می‌آورده است چونه و به چه طریق ممکن و مقدور است؟ زیرا طبق ماده ۹۶ ایزار نصاص باید نیز و غیر مسموم "متاسب با ابزار قصاص جرح مخصوص باشد . . ." و وسیله قصاص بطور قطع ار وسیله‌ای که جانی اقدام بجرح کرده است نیز و بروندگار است و در

ین صورت چون باید با یک ضربه قصاص شود جگونه سخن
قصاص کشنه سیتواند با قدری قصاص را اجرا کند که زیاده
ز جرح وارد آورده شده بوسیله حاتم نشود و این عمل
خود یک شخص و ابتكار و دانائی و خبرگری مسخواهد و با
ین شرایط مسلمان شخص دیگری حاضر نیست چنین عملی را
نجام دهد و قصاص کند زیرا اگر بیشتر موجب جرح کردید
خود او قصاص خواهد شد .

در قسمت اخیر ماده ۹۶ اضافه شده است "... و اینها
جانی بیش از مقدار جناب او جائز نیست" طبق این ماده
ستن دست و پای جانی خود نوعی اینها است که در ماده
۹۶ قید شده است و این دو قسمت بخاطر دارد .

میشود بدون مجازات میماند و معلوم نیست اگر میاشر قتل غیرعمد وجه کافی برای پرداخت دیده نداشت با او چه میکنند و اصولاً دیده چقدر است. ایراد و اعتراضاتی که بر این لایحه وارد است آنقدر زیاد است که باید کتابها نوشته و مختصه که در این بیانیه می‌آید مشت نمونه خروار است.

بزركترین نقص لایحه این است که اشخاص ثروتمند و
توانای از مجازات معاف میشوند زیرا میتوانند و قدرت آنرا
دارند که با پرداخت وجه از ولی دم رضایت بگیرند و آن
کسانی که ثروتی ندارند مجبورند بصاص تن دردهند.
در ماده ۸۸ لایحه مقد. شده است که ه. ک. م. ح. ک.

از این ده دیگر شمرد سده است که هر دس محدود به قصاص را رهایی دهد باید بحبس بروند تا قاتل را تحويل مقامات بدهد (او که در حبس است چکونه میتواند قاتل را تحويل بدهد. مگر آنکه معنقد باشیم یعنی محل قاتل را نشان دهد) حال اگر قاتل از آن محل رفته باشد دیگر این شخص چه گناهی دارد و تا چه مدت باید در زندان بماند و بفرض که حاضر باشد دیه را بپردازد چه مبلغ باید پرداخت

و اگر دیه را پرداخت کند و بعد معلوم شد قاتل نمرده و پیدا شد آیا بازهم قاتل قصاص میشود یا چون رهاکننده دیه را پرداخته است قاتل هم از قصاص معاف است.

ماده ۵۷ قانون فصاص میکوید "قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و مجني عليه میتواند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او جانی را با شرایطی که می آید قصاص نماید"

اولا - اگرولی مسلمین یا نماینده او اجازه قصاص

ندادند تکلیف چیست.

نایابی - اگر شخص مجنی علیه حاضر نبود س Hatchچین
عملی را انجام دهد تکلیف چیست

ثالثاً - اگر مجنی علیه بیشتر از مقداری که بر او جرح

وارد امده است جرح وارد کرد تکلیف چیست.
رابعا - چه کسی باید اندازه جرح را معین کند و آنرا
اندازه بگیرد از نظر طول و عرض و عمق .

خامساً - آیا پس از قصاص جرح یا قطع باید آنرا
معالجه کرد یا خیر؟
سادساً - آیا اگر پس از قصاص جرح یا قطع باشد

عدم مداوا یا معالجه و یا وجود میکروب شخص فوت نماید
محنی علیه قصاص میشود یا خیر؟
در تبصره ۱ ماده مذکور قید شده است (جائی قصد
قطع یا جرح ندارد و کار را که انجام میدهد نیز نوعاً
موجب قطع یا جرح نیست) در این صورت نمیتوان این
نوع اعمال را عدم دانست.

در ماده ۶۰ نوشته شده است (در قصاص عضو - زن و مرد برابر یکدیگرند) در صورتیکه اگر با خر همین ماده توجه شود معلوم میگردد چنین نیست و زن و مرد مساوی نیستند زیرا در قسمت اخیر ماده ۶۰ مقرر شده (... اگر دیه عضو ناقص شده بیش از ثلث دیه کامل باشد مانند دیه دست در صورتی مرد جانی مورد قصاص عضو مانند آن قرار میگیرد که نصف دیه آن عضو را باو بدھند)

شاید خوانندگان بمعانی جملات این ماده و مواد دیگر توجه نکرده باشند علیهذا لازم میدانم مثالی بیاورم فرض کنیم مردی دست راست زنی را قطع نماید در این صورت زمانی زن میتواند قصاص بخواهد که نصف دیده دست مرد را بدهد تا مقابل دست راست آن مرد حذف شود.

در ماده ۶۱ مطلب قابل توجه دیگری مقرر شده باین توضیح که مقرر گردیده (هرگاه کسی عضو ناسالم شخصی مانند شل را قطع کند نمی‌توان عضو سالم جانی را بعنوان قصاص قطع کرد بلکه باید دیده آن عضو داده شود لکن عضو ناسالم در بر این عضو سالم قطع میشود)

در قسمت اول اگرچانی که عضو ناقص را قطع کرده است و نمی توان عضو سالم او را قطع کرد و باید دیه بپردازد این دیه چقدر است آیا بمقدار دیه عضو سالم است یا دیه عضو ناقص و تشخیص اینکه تفاوت این دیه ها

چه میزان است با چه کسی است و اگر جانی دیده را پرداخت
یا نداشت بپردازد با او چه باید کرد بعلاوه چکونه عضو
نامالم در مقابل عضو سالم قطع میشود و هیچ‌گونه دیده و
وجھی بجانی داده نمیشود.

در ماده ۶۲ نیز مطلب قابل ذکری وجود دارد باین توضیح که اگر شخصی دست راست دیگری را قطع کند و خود دست راست نداشته باشد یعنی دست راست او قطع شده باشد در این صورت دست چپ او قطع میشود و باین ترتیب جانی از هر دو دست محروم میشود در صورتیکه او موجب ازبین رفتن یک دست شده است.

در ماده ۶۴ مواجه با این مطلب میشویم که گوئی در نظر مقنن اسلام پرداخت دیده از قطع اعضاء و یا جراحات عمیق هم شدیدتر است زیرا در این ماده مقرر شده (هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحتهای عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جایجاشدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیده آن داده شود خواه مقدار آن دیده شرعاً معن شده باشد خواه با حکم حاکم شرع

